



ایلیا موسی‌زاده! دو مرد کیسه گونی سفید را مثل برانکارد گرفته بودند و دستی و پایی کیبود از آن زده بود بیرون. شیب پرسنگ را نفس‌زنان بالا می‌آمدند و زن سالنه‌سلانه و ادااوطاری دنبالشان می‌آمد و مدام فغ‌فخش را با بینی می‌کشید که ساکتش کند اما گریه‌اش مهلت نمی‌داد. دستمال کاغذی توی دستش به کندی پرپر می‌شد و سعی می‌کرد پاهایش را سریع‌تر حرکت بدهد که از مردها عقب نماند. گفت: من که می‌گم نباید بهش دست می‌زدیم، آنکه جلوتر بود بدون اینکه رو برگرداند گفت «دست نمی‌زدیم همونجا جک و جونورا می‌خورنش» زن گفت «باید‌زنگ می‌زدیم... پلیسی جایی چیزی، مرد دوم وسط نفس‌زدن نالید «دلت خوشه بابا... همینجا هم...» آنتن نمی‌ده... چه برسه... اون ته، و یک لحظه سر چرخاند و نگاهش تا اعماق شیب کوه رفت و رسید به شکافی که بین دو دامنه دیده می‌شد. زن گفت «اونا با هلی کوپتر میان راحت می‌برنش، از لق خوردن سرها روی گردن فهمید هردوشان دارند می‌خندند. حرصی شد. گفت «بی‌خود که نمی‌گم» یکی از مردها گفت «فیلم زیاد نگا می‌کنی... کی برا همچین چیزی هلی کوپتر می‌فرسته، مرد دوم گفت «تهش یکی رو می‌فرستن رو موتور با دفت‌ر دستک، آن یکی دنبال حرف پنی زده زیر خنده. گفت «حساب کن... با موتور... اینجا» زن گفت «شماها همه چپویه شوخی گرفتین... اصلا دردرس می‌شه برامون، مردها چیزی نگفتند. نگاه زن افتاد به دست خشکیده که با حرکت مردها لنگر می‌خورد.

کیودی دست کم کم به سیاهی نزدیک می‌شد. سوز سردی روی سراسپیی دامنه سرید. زن بینی‌اش را بیشتر توی پناه دستمال فرو برد. گفت «بو گرفته، یکی از مردها گفت «خدا می‌دونه چندوخته اونجا مونده» زن گفت «یعنی اونجا رفته یا اونجا افتاده؟» مرد گفت «مگه ندیدی دست و پاش چطوری بود؟» آن یکی گفت «تابیده بود به‌هم بیچاره، «حتما افتاده» و هرسه رو گردانند به سمت صخره عظیم که مثل غول خم شده بود روی شکاف بین کوه‌ها. یک ابر بزرگ داشت از پشت صخره خودش را می‌رساند به وسط آسمان. زن گفت «طفک مادرش» صدایش می‌ارزید. سنگ‌های قله‌های کوچک زیر پایش می‌غلنیدند و به تلولتو می‌افتاد. مردها ساکت بودند. زن دوباره گفت «طفک مادرش چی کشیده... اگه با این وضع بچه‌شو ببینه...» بقیه حرفش را با دستمال درز گرفت. یکی از مردها گفت «مادرش شانس داشت بچه‌شو ته دره ندید... همونجا سکنه می‌زه» زن گفت «وای نگو تورو خدا!... زبونتو گاز بگیر» هرسه به زنی فکر کردند که چادارش مثل بادبانی کند و کاهل باد می‌خورد و سمتشان می‌آید. نگاهی مغموم و فرسوده دارد. جدی با قامتی راست می‌آید فرزندش را ببیند تا طوری جیغ بکشد که عقاب‌ها و پرنده‌های شکاری کوه آشفته شوند. زن گفت «نف... سم... با... لا... نمیه...» یکی از مردها گفت «یه کم بشنیم» آن یکی بی‌اینکه چیزی بگوید ایستاد. کیسه‌گونی را آرام روی زمین گذاشتند. جسد جوانی بود. با صورت خشکیده و تارهایی که از گوشت مرده رسته بودند. چشم‌هایش به یک سمت چرخیده بودند. انگار آخرین نگاهش به یک خرخاکی بوده که از بین کلوخ‌ها خودش را به صورت جوان نزدیک می‌کرده. زن گفت «آخه تک و تنها اینجا اومدی چیکار؟» صدایش بالا و پایین می‌شد. جسد همچنان خاموش و خشکیده روی کیسه سفید دراز شده بود. انگار بدنش را توی رنگ آبی فرو کرده و بعد شسته باشند. زن یک بطری کوچک آب معدنی از کیفش بیرون آورد و چند قلمپ خورد. یکی از مردها دستش را سمت زن دراز کرد. زن گفت «وووووییییی دلم نمیداد بدم دستت. اینو دست زدی، بد بطری را با یک حرکت سریع پرت کرد روی سینه مرد. بطری روی زمین غلتید و آب درون آن حباب زد. مرد با خون سردی جرعه‌جرعه آب خورد. زن گفت «وووووییییی من که دست نمی‌زنم دیگه... بمونه برا خودتون» مرد دیگر گفت «برا منم یه چیزی بذار، و بطری را گرفت. یکی از مردها گفت «هلی کوپتر، و خنده هردوشان ترکید. مردی که خنده‌اش توی بطری آب ترکید گفت «اون پستو پادته؟ هلی کوپتر اومده بود برا نجات طرفو بسته بودن به طناب عین فرقه می‌چرخید، زن گفت «مسخره‌ها...» انگار نه انگار داریم مرده می‌پریم، به آسمان نگاه کرد که یک باز شکاری تیز شیرجه رفت پشت تپه‌ها. گفت به‌خدا حال مادرش... همه‌اش جلو چشممه، به جسد نگاه کرد و گوشه چشمش را پاک کرد. گفت «نکنه کشتنش!، مردها به جسد نگاه کردند. یکی گفت «نه بابا، زن گفت «رو گردنش رده»...

ادامه دارد

آتش زدن عمدی پراید در مجتمع اقامتی

ایلنا/ حریق عمدی یک خودرو در یک مجتمع اقامتی با اقدام به موقع آتش نشانان نیشابوری مهار شد. سرپرست سازمان آتش‌نشانی نیشابور در توضیح جزئیات این حادثه گفت: یک دستگاه خودرو سواری پراید که به دست افرادی ناشناس در پارکینگ یک مجتمع اقامتی به آتش کشیده شده بود با اقدام به‌موقع مردم و آتش‌نشانان در همان لحظات اولیه خاموش شد. ابوالفضل اسدی افزود: حریق این خودرو در همان لحظه اولیه با تلاش مردم و استفاده از خاموش‌کننده‌های دستی مهار شده بود و مأموران ما برای پیشگیری از بروز حادثه‌ای دیگر و ایمن‌سازی میدانی به محل حادثه اعزام شدند. به‌گفته‌شاهدان عینی دو فرد ناشناس با ورود به پارکینگ این مجموعه اقدام به ریختن مایعات اشتعال‌زا به داخل خودرو و افروختن آتش کرده‌اند. پلیس در حال پیگیری پرونده است.

فرمانده انتظامی مشهد در گفت و گو با شهرآرا اعلام کرد

برخورد قاطع پلیس با سارقان حرفه‌ای

سرهنگ نگهبان: برای مجرمان سابقه دار چاره‌ای جز زندان نداریم



محروم می‌شود و تقریباً تمام عمرش را در زندان خواهد بود.

● سهم مال‌باختگان در وقوع سرقت‌ها چقدر است؟

اگر سرقت را مثلی در نظر بگیریم، دارای سه‌ضلع است. بزه‌دیده، بزهکار و موقعیت. شما تصور کنید در یک خیابان یک بزهکار وجود دارد و آن خیابان به لحاظ روشنایی، مبلمان شهری و... آماده وقوع جرم است. تا زمانی که قربانی خودش را در این مسیر قرار ندهد سرقت اتفاق نمی‌افتد. هستند افرادی که به لحاظ هوش بالایی که دارند در خیابان برای استفاده از تلفن همراه از هندزفری استفاده می‌کنند، در محیط‌های خلوت و مناسب وقوع جرم قرار نمی‌گیرند، در ساعات پایانی شب در جاهایی که پلیس نیست و در جاهای تاریک تردد نمی‌کنند و اهل خطر نیستند، این افراد هیچ‌گاه به مشکل برنمی‌خورند. تا مادامی که فرد توصیه‌های پلیس را عملی کند، هیچ سرقتی نه از خودش و نه از خانه و خودرواش رخ نمی‌دهد. مثلاً ما موردی داشته‌ایم که خانمی ۶۰ساله حداقل ۳۰۰میلیون تومان طلا در کنار خود داشته. با ۷۰سال سن وقتی با این مقدار طلای قابل مشاهده از خانه خارج می‌شود او مستعد سرقت است و در یک بزرگه اسیر سارقان می‌شود. در این نوع سرقت‌ها باید نقش مال‌باخته هم مورد توجه قرار گیرد.

● معتقد هستید که زندان در تنبیه سارقان مؤثر است؟

برای سارقان حرفه‌ای چاره‌ای نداریم و باید آن‌ها را در زندان نگهداریم. چون آن‌ها به محض اینکه بیرون می‌آیند حتی در مرخصی نیز دست به سرقت مجدد می‌زنند. در حوزه سرقت‌اولی‌ها بله بسیار اثرگذار است و در زندان هم برنامه‌های خوبی دارند و تعداد بالایی از زندان‌اولی‌ها به آغوش خانواده بازمی‌گردند.

● آیا سرقت‌اولی‌ها با قرار وثیقه آزاد می‌شوند؟

در همه سرقت‌ها یک اصل به عنوان رضایت شاکی وجود دارد. یعنی مادامی که فرد برای اولین بار سرقت‌کند، حتی زیر ۲۰میلیون تومان باشد و شاکی خصوصی داشته باشد تا این فرد رضایت ندهد، او هیچ راه و مفری جز رفتن به زندان ندارد و باید حتماً زندان را تحمل کند. در همه سرقت‌ها رضایت شاکی مهم است و در صورت عدم رضایت با متهم برخورد می‌شود.

● برخورد با سارقانی که برای دفعات مختلف دستگیر شده‌اند چگونه است؟ تکرار جرم شدت برخورد مقام قضایی را بالاتر می‌برد، هرچه شدت جرم بالاتر می‌رود برخوردها نیز شدیدتر و سنگین‌تر می‌شود. کار به جایی می‌رسد که فرد به زندان بلندمدت محکوم می‌شود. هیچ مرخصی‌ای به او داده نمی‌شود. از همه خدمات اجتماعی

لازم داده می‌شود. مثلاً در یک پرونده همکاران ما جوانی را دستگیر کرده بودند که اقدام به سرقت کرده بود، بررسی وضعیت زندگی‌اش نشان می‌داد در یکی از مناطق برخوردار مشهد زندگی می‌کند و هیچ مشکل مالی هم ندارد. وقتی مشاوران ما پدر و مادرش را به کلانتری دعوت کردند آن‌ها هم متعجب از رفتار پسرشان نمی‌دانستند چرا او تن به سرقت داده است. بررسی‌های بعدی نشان داد که این پسر جوان از مدتی قبل به دام اعتیاد افتاده است و چون خرج موادمخدرش بالا رفته اگر درخواست پول بیشتر از والدینش می‌کرد، آن‌ها به او مشکوک می‌شدند و بنابراین با پیشنهاد دوستانش پای منقل نقشه سرقت برای تأمین موادمخدر را می‌ریزد. همه مشاوره‌هایی که به این خانواده داده شد، مشکل آن‌ها تا حد زیادی مرتفع شد.

● آیا محکومیت زندان برای سرقت‌اولی‌ها مؤثر است؟ خیلی از سارقانی که به علت جرم‌های کوچک راهی زندان می‌شوند پس از آزادی به آغوش خانواده برمی‌گردند و افرادی را می‌شناسم که پس از زندان زندگی خوبی را شروع کرده‌اند. عده بسیار کمی از این افراد هستند که بر بزهکاری اصرار دارند و آن را ادامه می‌دهند و گرنه بیشتر این افراد متنبه شده و از این مسیر بازمی‌گردند.

● رفتار پلیس و دستگاه قضا با این افراد چگونه است؟

سرقت‌اولی‌ها نیز مانند دیگر افراد پس از دستگیری در اختیار مقام قضایی قرار می‌گیرند، اما رفتار با سارقانی که برای اولین بار اقدام به سرقت کرده‌اند، توأم با رأفت است و حتی برای سرقت‌های زیر ۲۰میلیون تومان راه‌هایی در نظر گرفته شده تا این افراد بتوانند دوباره به آغوش جامعه برگردند. اما با افرادی که اصرار بر سرقت دارند دیگر این گونه رفتار نمی‌شود و تخفیفات صرفاً برای سارق اولی‌هاست.

● یعنی فرد هرکار کرده باشد، چون جرم‌اولی است شامل این رأفت می‌شود؟ همیشه این گونه نیست، سرقت‌اولی هم داریم که مجازاتش در حد مجاربه است و آن قدر کیفیت و وسعتش زیاد است که برخورد شدید مقام قضایی را می‌طلبد. ولی در بیشتر سرقت‌های خرد که سارق برای اولین بار دست به دزدی زده است، هم رأفت پلیس و هم مقام قضایی شامل حالشان می‌شود تا زودتر از مسیر اشتباهی که رفته‌اند، برگردند.

● پس از دستگیری سارقان‌اولی چه اقدامات قانونی برای این افراد انجام می‌شود؟ تمام افرادی که در حوزه سرقت دستگیر می‌شوند، بلافاصله اطلاعاتشان شامل قد، وزن، رنگ چشم، رنگ پوست و همه ابعاد ظاهری، شخصیتی و حتی زندگی خانوادگی‌شان وارد یک بانک اطلاعاتی شده و در پرونده‌شان ثبت و ضبط می‌شود.

● این سیستم محلی است؟

سیستم پلیس سراسری است، به طور مثال وقتی یک سرقت‌اولی در خراسان رضوی برای اولین بار سرقت کند و بعد برود در جای دیگری مثل تهران یا لرستان دوباره دست به سرقت بزنند به محض اینکه دستگیر و مشخصاتش وارد سیستم شود، سیستم تمام اطلاعات سرقت قبلی را در اختیار مأموران می‌گذارد. این سیستم به‌روز می‌شود و کاملاً اشراق دارد. با وجود همین سیستم در برخی طرح‌ها تمرکزمان روی افرادی است که اصرار بر سرقت دارند و آن‌ها را رصد و کنترل می‌کنیم.

● سارق‌اولی پس از آزادی رها می‌شود؟ امروز در هر کلانتری یک اتاق مددکاری و مشاوره اجتماعی داریم که بهترین مشاوران در آنجا مستقر هستند که با توجه به پرونده افراد به آن‌ها مشاوره‌های

محمد جواد ابوعطا

خواستہ یا ناخواستہ زندگی‌اش به نقطه‌ای رسیدہ بود کہ راہ بازگشتی پیش رویش نبود. شاید بتوان از آن نقطہ صفر زندگی نام برد. بہ گذشتہ‌اش کہ نگاہ می‌کرد یاد روزہایی می‌افتاد کہ کاسبی خوش‌نام بود و زندگی بر وفق مرادش بود. اما انگار آن روزہا خواب خوشی بیش نبود و زندگی‌اش اسیر تندبادی ویرانگر شدہ کہ ناگہان تمام زندگی‌اش را با خود بردہ بود. نوسانات بازار و وضعیت نامناسب اقتصادی در سال‌های اخیر خیلی زود از او یک کاسب مقروض ساخت تا جایی کہ چک‌هایش یکی پس از دیگری برگشت می‌خورد و ہر روز عده‌ای پشت در دکانش داد و فریاد می‌کردند. هیچ راہی بہ ذہنش نمی‌رسید تا اینکه یک بہ‌ظاهر رفیق، پیشنهادی بہ او داد کہ او را از چالہ درآورد و بہ چاہ انداخت. وقتی این کاسب خوش‌نام دیروز تن بہ سرقت داد نمی‌دانست زودتر از آنچه فکر می‌کند، گرفتار می‌شود و لقب سارق، تمام اندوختہ‌ان و نامش را یکجا بہ یاد می‌دہد. ماجرای افرادی کہ بدون داشتن هیچ سابقہ کیفری، تن بہ سرقت می‌دہند و با عنوان «سارق اولی» شناختہ می‌شوند، موضوعی پیچیدہ است کہ مشکلات و مسائل زیادی را می‌توان جزو دلایل آن بر شمرد، موضوعی کہ منجر بہ گفت‌وگویی اختصاصی با سرہنگ احمد نگہبان، فرماندہ انتظامی مشهد شد کہ ماحصل آن را در ادامہ می‌خوانید.

● بہ عنوان نخستین سؤال، چہ می‌شود کہ فردی یک‌کشیہ تصمیم بہ سرقت می‌گیرد؟ سرقت یک معلول است و دلایل و شاخص‌های زیادی وجود دارد کہ منجر بہ وقوع سرقت از سوی افراد می‌شود. مثلاً سارقی را دستگیر کردیم کہ کاسب بود ولی بہ مشکل خورده بود و نتوانستہ بود چک‌هایش را پاس کند، بعد ہم با پیشنهاد دوستان ناباب بہ سراغ سرقت رفته بود. مسائل اجتماعی و اقتصادی زیادی در این میان وجود دارد کہ فرد را وادار بہ سرقت می‌کند. امروز ۴۷درصد سارقان دستگیر شدہ در مشهد، سرقت اولی هستند.

جاودانگی در ۷سالگی



۱۵ساله اهل و ساکن تربت حیدریه و دختری ۱۷ساله اهل و ساکن مشهد که سال‌ها از نارسایی کلیه رنج می‌بردند و با دیالیز تحت درمان بودند به صورت رایگان اهدا و پیوند شد. وی بیان کرد: کبد این کودک مرگ مغزی به بیمارستان بوعلی سینای شهر شیراز منتقل و به کودکی هفت ساله اهل و ساکن شهر کرج که سال‌ها از بیماری کبدی رنج می‌برد، اهدا و پیوند شد.

سیرجانی/ روز گذشته هزارودویست وچهل و دومین عمل اهدای عضو در بیمارستان منتصریه

مشهد با موفقیت انجام شد. مسئول واحدفراهم‌آوری اعضای پیوندی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در تشریح جزئیات این خبر گفت: در این عمل جراحی با اهدای اعضای کودک خردسال مرگ مغزی سه بیمار نیازمند به عضو نجات یافتند و به زندگی بازگشتند.

دکتر ابراهیم خالقی افزود: این کودک هفت ساله مرگ مغزی که در بیمارستان مذکور تحت مراقبت‌های ویژه پزشکی قرار داشت پس از تأیید مرگ مغزی به واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی در مرکز پیوند اعضای دانشگاه مشهد معرفی شد و با رضایت والدینش تحت عمل جراحی اهدای عضو قرار گرفت.

دکتر قراقرغی ادامه داد: کلیه‌های این کودک خردسال در بیمارستان منتصریه به نوجوانی

قرآنی! عوامل پلیس در عملیاتی اطلاعاتی و ضربتی یک محموله سنگین افیونی را قبل از ورود به

شهر مشهد کشف و توقیف کردند. فرمانده انتظامی استان خراسان رضوی در تشریح جزئیات این عملیات پلیسی گفت: مأموران اداره عملیات ویژه پلیس مبارزه با مواد مخدر استان در اقدامی اطلاعاتی و رصد میدانی به اخباری دست یافتند که نشان می‌داد تعدادی قاچاقچی افیونی در

حال جابه‌جایی یک محموله سنگین مخدر به وسیله یک دستگاه اتوبوس مسافربری به مشهد هستند. سردار محمد کاظم تقوی افزود: مجریان قانون بعد از تکمیل تحقیقات اولیه وارد عمل شدند و محور مواصلاتی مورد نظر را که خودرو حمل مواد در آن قرار داشت، به صورت نامحسوس زیر نظر گرفتند. تحقیقات میدانی مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر در این زمینه ادامه داشت تا اینکه اتوبوس مورد نظر به رؤیت مجریان قانون رسید.

قاچاق ۳۰۰ کیلو تریاک با اتوبوس مسافربری



این مقام ارشد انتظامی استان ادامه داد: مأموران به محض مشاهده اتوبوس حامل بار، آن را در نزدیکی مشهد متوقف کردند و به مرکز فرماندهی خود انتقال دادند. در بازرسی از این اتوبوس، ۳۰۰کیلوگرم ماده مخدر تریاک کشف و ضبط شد. سردار تقوی بیان کرد: ضابطان قضایی در این میان یک متهم را دستگیر کردند که این فرد پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قضایی در اختیار دادسرا قرار گرفت.

جدول ۳۵۸۹															
نام قدیم ایاصوفیه کارگردان گاو	فلز سرچشمه راه رفتن پر حرف	بدن حادثه	زهر پرنده‌ای از دروناسانان	راه فرار امیدوار مقابل کل	باختر نقشی حضور مفرد	بالا کالاها	مقیمان بی حال گرم								
						پشت‌مازو									
						مقروض									
						شهرکلیسای سنت استپانوس									
						حالا									
							پشته خاک								
							مقاطعه								
							دانه								
							معطر								
							عروس								
							خاورمیانه								
						ناخالصی									